بررسیِ سیرِ تطورِ فرجام سقیفه از دیدگاه امامیه و عامه

رضوان گودرزی[1]

چکیده

در طول تاریخ همواره اهل بیت صلواةالله علیهم و شیعیان رنج ها و سختی های زیادی را متحمل شده اند، تا مکتب اسلام حفظ شود و در اکثر اوقات افرادی که با آنان مخالفت می کردند، حقانیت ایشان را بیشتر درک کرده بودند اما طمع و دنیا طلبی مانع از پذیرش این حق می شد. از همین رو این مقاله با هدف تبیین سیر تطورفرجام سقیفه از دیدگاه امامیه و عامه با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه ی کتابخانه ای جمع آوری گردیده است. یافته های این تحقیق عبارتند از: الف) عوامل پیدایش سقیفه، که اولین و مهم ترین آ ن ها نفاق بود؛ همچنین ظمع دستیابی به قدرت که دلیل اسلام آوردن برخی از بنیانگذاران سقیفه بود. طمع قدرت در این افراد تا آنجا پیش رفت که برای پیشبرد اهداف خود برنامه ریزی برای رشوه دادن به سران را در ذهن داشتند که پس از به قدرت رسیدن به آن جامه ی عمل پوشاندند و با دادن رشوه، مردم را به بیعت با خود راغب کردند. ب) اقداماتی که غاصبین برای غصب خلافت در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم انجام دادند که عبارتند از: نوشتن صحیفه ی ملعونه ی اول و دوم با هدف ممانعت از رسیدن خلافت به خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که اولی در ایام حج و قبل از حرکت از مکه و دومی پس از انتصاب امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه به جانشینی در غدیر خم نوشته شدند. اقدام دیگر آن ها هم پیمانی برای ترور پیامبر در گردنه ی هرشا بود که با شکسن مواجه شد. ج) شخصیت شناسیِ اصحاب سقیفه عمربن خطاب مهره ی اصلی سقیفه و قنفذ، سالم مولی ابی حذیفه و عایشه از جمله افرادی بودند که عداوت و دشمنی آشکار با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت ایشان داشتند که کینه توزی آن ها منجر به وقوع حوادث سقیفه شد. د) بنیانگذار سقیفه برای غصب خلافت بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نیز اقداماتی داشتند که مهم ترین آن ها، حضور در سقیفه ی بنی ساعده و بیعت با ابوبکر به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم ، در حالیکه امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه در آن جمع حضور نداشتند و غاصبین برای تحکم پایه های حکومت خود به بیعت ایشان نیاز داشتند بنابراین به خانه ی حضرت هجوم برده و با بیعتی اجباری به خلافت خود مشروعیت بخشیدند.

واژگان کلیدی: ، اسلام، امامیه، تطور، سقیفه، عامه.

---

۱. طلبه سطح۲ حوزه علمیه خواهران حضرت محدثه سلام الله علیها شهرستان بروجرد.

مقدمه

بی تردید یکی از اساسی ترین بحث هایی که بینِ دو مذهبِ امامیه و عامه وجود دارد، موضوعِ خلافت و جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است، که موجبِ اختلافِ بنیادی میان این دو مذهب در مسئله مهم امامت شده است. با وجود اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در زمان حیات خود، به شکل های گوناگون این مسئله را مطرح نمودند، باز هم به انکار این موضوع پرداخته و سرانجام در شورای سقیفه این حقِ مسلمِ امیرالمومنین صلواةالله وسلامه علیه را با جنایاتِ بسیار، غصب نمودند. به همین منظور، برای شفافیتِ هرچه بیشترِ مسئله و با بررسیِ سیرِ تطورِ این موضوع در کتب عامه و امامیه، امید است که بتوان همه ی ابعاد و جوانبی که در این تحقیق مختصر قابل بیان است آورده شود و با بیان شخصیتِ اخلاقی و رفتاریِ بنیان گذارانِ سقیفه، تاثیر این مطلب را بر شکل گیری و انجام این جنایات مطرح نموده و روشن خواهیم کرد که برای غصب خلافت، چه اقداماتِ ننگینی در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم و چه اقدامات و جنایاتی بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مرتکب شدند؛ و به طور کلی به مسیری که برای ایجاد سقیفه و غصب خلافت از امیر المومنین صلواةالله و سلامه علیه داشتند، اشاره خواهد شد. لذا بیانِ این مطالب از دو منبع مقابلِ هم، یعنی عامه و امامیه اعتبارِ مطالب را نزد خواننده بیشتر روشن خواهد کرد.

اما به دلیل عدمِ بازگو کردنِ حق بطورِ کامل، [بنا به دلایلی] از جانبِ برخی از بزرگانِ شیعه و کتمانِ حق از جانبِ بزرگان اهل سنت، برای پیروان خود، این مسئله تا حدودی برای پیروان فریقین آشکار نشده است .لذا مسکوت ماندنِ مسئله ی غصب خلافت از همه جهات، به ضررِ تشیع خواهد بود. اهمیت بحث در سیر تطور فرجام سقیفه از آن جهت است که چون بحث امامت از اصلی ترین ارکان دین مبین اسلام به شمار می رود و مسئله ی سقیفه، دقیقاً نقطه ی مقابل آن است؛ و از آن جهت که تا باطل گفته نشود، حق روشن نمی شود، لذا برای روشن تر شدن مسئله ی امامت و عبرت گرفتن از تاریخ، که اهمیت قابل توجهی دارد، نیاز است بنیان گذارانِ سقیفه را که در برهه ای از زمان، ملقب به عنوان صحابه ی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم و دارای القاب این چنینی بوده اند را مورد بررسی قرار داد که چرا به این جنایات دست زده اند؟! لذا بررسی علل و عوامل این مسئله، خالی از لطف نیست. ضرورت این مسئله در این است که نپرداختن به این مهم، باعثِ عدم آگاهی و شناخت مسلمانان نسبت به شخصیتِ واقعیِ اصحاب سقیفه و بروز اختلافاتی بین مسلمانان شده است. از آنجا که این افراد برای اهل سنت، تبدیل به نمادهای مقدسی شده اند و با توجه به آموزه های عامه، پیروان آنها خود و مذهب خود را بر حق می پندارند، بنابراین لازم است که برای این هدف تلاش کنیم و درمقام احقاق و اثباتِ حقانیت شیعه، این قداست دروغین را فرو ریخته تا اجتماع مسلمین با روشن شدنِ حق به اتحاد واقعی دست یابند. مکتوب حاضر بنا دارد در بحث شخصیت شناسیِ افراد سقیفه، به این برآیند دست یابد که از نظر اخلاقی، چه ویژگی هایی باعث این تخلف عظیم در حق اهل بیت صلوةالله علیهم شده است و از آنجا که اکنون عصر غیبت امام معصوم صلواةالله علیه می باشد، قابل توجه است که با در نظر گرفتن این مطالب و عبرت آموزی از تاریخ، شیعیان، مانعِ رسیدن امثال این ظلم ها به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شوند، چرا که پیش تر اشاره شد که افرادِ اصلی سقیفه زمانی در رکاب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در جنگ ها حضور فیزیکی داشته اند و عنوان صحابه برای آنها به کار می رفت و همچنین در میانِ گمراهانی که حقانیت امیرالمومنین صلواةالله وسلامه علیه را زیر پا نهاده و با

پیشنهادهای وسوسه انگیز، با غاصبین بیعت کردند، از صحابه ی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وجود داشت، که با تأمل در این مطالب، باید اندیشید که انسان، با هر رتبه علمی و معنوی، امکان لغزیدنش وجود دارد. پس با سیر در فرجام سقیفه، این آسیب ها بررسی می شوند تا تلنگری باشد که در زمان ظهور حضرت حجت روحی و ارواحنا فداه ، حداقل از شیعیان آن حضرت سر نزند. هدف از این مقاله بررسیِ سیرِ تطورِ فرجام سقیفه با تکیه بر منابع امامیه و عامه می باشد. در طول تاریخ، از ابتدای بعثت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، تا زمان شهادت ایشان، همواره افرادی بودند که با وجود مسلمان شدن، باز هم به مخالفت با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می پرداختند. در مسئله جانشینیِ آن حضرت نیز، مخالفت ها و اقداماتی صورت گرفت که هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت، متون آن به چشم می خورد. از جمله منابع شیعی که اشاره به موضوع مورد بحث دارند، می توان کتاب «سلیم بن قیس هلالی» از سلیم بن قیس هلالی عامری، سال ۱۳۸۰ش را نام برد که از قدیمی ترین کتب، بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم است و در مورد سقیفه و اقدامات افراد و کیفیت بیعت و جنایت هایی که در حق اهل بیت صلواةالله علیهم وارد شده است، سخن به میان آورده که این نشان دهنده ی آن است که در همان قرون ابتدائی اسلام که مصادف با زمان حیات امیرالمومنین حضرت علی صلواةالله و سلامه علیه بوده است، این موضوع ، مورد بحث و تحقیق و نگارش بوده است. از دیگر کتب شیعی، می توان به کتاب« الغدیر » از شیخ عبدالحسین امینی نجفی،بی تا، «بحار الانوار» از محمدباقر مجلسی و« الجمل» ازمحمدبن محمد النعمان (شیخ مفید)،۱۴۱۳ق اشاره کرد. همچنین از منابع معاصر شیعی، می توان کتاب «ناگفته هایی از سقیفه» از نجم الدین طبسی،سال ۱۳۹۵« سقیفه و عوامل پیدایش آن» از محمد علی حیدری، سال ۱۳۹۵ را نام برد .در منابع عامه می توان به کتاب« السقیفه و الخلافه» از عبد المقصود که ترجمه آن با نام «خواستگاه خلافت» سید حسن افتخار زاده ۱۳۷۶ش موجود است، اشاره کرد و همچنین کتاب «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید»۱۴۰۴ق،« تاریخ دمشق الکبیر» از ابن عساکر، بی تا، اشاره کرد. با این تفاصیل، لازم به ذکر است که بحث در مورد خلافت و سقیفه و مذمت و نقد آن در زمان امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه توسط شخصِ ایشان انجام شده که در نهج البلاغه، تحت عنوان «خطبه شقشقیه»، نقل شده است و در زمان دیگر امامان نیز، با مضامینی همراه با «برائت از دشمنان» است، این موضوع مطرح شده است؛ حتی در مقاتل نیز، زمانی که از بیان مصیبت عظیم کربلاء حکایت می کنند، نقل هایی وجود دارد که بلای عظیم و جنایت بزرگ در حق اهل بیت صلواةالله علیهم ، که غم انگیز تر از کربلاست، ماجرای سقیفه و در نهایت، شهادت حضرت محسن صلواةالله علیه و شهادت حضرت صدیقه ی کبری سلام الله علیها ، می باشد. منابع ذکر شده یا به صورت اجمال، زوایای متعدد را در مورد سقیفه، مطرح کرده اند یا به تفصیل از یک جهت، موضوع را بسط داده اند. اما در این تحقیق، تلاش شده است که به صورت تلفیقی که نه آن اجمال و تعدد موضوعات را به دنبال داشته باشد و نه آن تفصیل یک بعدی را به میان بیاورد، مطالب جمع آوری شوند و با در کنار هم قرار دادن مطالبِ سایرِ کتب، اثری مفید با نگاهی چند جانبه به موضوع، و ایجاد ارتباط میان مطالب، دیدگاه جدید تری نسبت به آثار پیشین خلق شود.

الف) مفهوم شناسی

۱) سقیفه

در لغت: هر بنای سقفی که دارای یک ردیف یا نیم ردیفی باشد که برجستگی داشته باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ، ج۵، ص۸۱)

در اصطلاح: سَقِیْفَةُ بَنِی ساعِدَهٔ کپری از قبیله بنی ساعده که در زیر آن، در روز وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، عده ای از مسلمانان ابوبکر را به رهبری خود برگزیدند (مجموعه ی مولفین، ۱۳۸۹، ص ۹۳۵)

۲) تطور

در لغت: از حالی به حال دیگر درآمدن، دگرگون شدن، دگرگونی.(انوری، ۱۳۸۶، ج۳، ص ۱۷۷۱)

در اصطلاح: به نظریه فرگشت گرایی زیستی ، موجودات زنده نزد فلاسفه گفته می شود. این نظریه بعدها در قرن هجدهم میلادی به طور جدی تری، توسط رژ لویی ،بوفون لامارک و در کتاب «منشأ انواع » اثر چارلز داروین، در حوزه علوم طبیعی و با عنوان نظریه فرگشت مطرح گردید. (صلیبا، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵)

ب) عوامل پیدایش سقیفه

شاید تاکنون در باب ماجرای سقیفه، این سوال به ذهن هر انسان متفکر، در زمینهء مسائل تاریخی، آمده باشد که با وجود واقعه ی عظیم غدیر و جایگاه ویژه ی امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه ، که همگان شاهد آن بودند، اعم از مراتب علمی، معنوی، قضاوت و سایر مسائل مربوط به زندگی اجتماعی ایشان؛ چگونه امکان دارد این چنین حق ایشان غصب شود و در عصر خویش بر حسب ظاهر، محجور بمانند؟ و یا چگونه امکان دارد که در فاصله ی چند روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم، این چنین حوادث ناگواری رخ دهد و تمامی ماجراهای زمان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از جمله واقعه ی غدیر و روایاتِ ایشان در مورد شخصیت امیر المومنین صلواةالله وسلامه علیه و خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از یاد برده شود؟ به راستی آیا واقعا این معارف فراموش شد یا که مردم خود را در آغوش امیال دنیوی، رها کردند و به طمع دنیا خود را به تغافل زده بودند؟ که به جز افراد کمی، همه مردم با ابوبکر بیعت کنند؟ پاسخ این سوالات در این است که قضیه در این حد سطحی نبوده که صرف از دنیا رفتن پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آموزه ها و وقایعِ زمان حیات ایشان را به فراموشی بسپارد و مردم اصلاً به خاطر نیاورند که در غدیر چه گذشت، و مهم تر اینکه سقیفه را که دقیقا نقطه ی مقابل غدیر است را تشکیل دادند. عاملانِ این حرکتِ مهندسی شده، کفارِ جاهلی نبودند که بگویم به سبب بغضی که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دین اسلام به رسوایی آنها به وجود آمده بود دست به چنین کارهای بزنند، که البته تمامی این نفی ها در ظاهر بود و در باطن و عمق ماجرا دقیقاً این افراد، همان کفار جاهل و همان قریشیانِ کینه توز و همان منافقانی بودند که بارها قصد نابودی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و به تبع نابودی اسلام را داشتند که سرانجام به تشکیل این شورا اهتمام ورزیدند. افرادی که در لباس صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و در صف مسلمین و به زعم برخی مورخان اهل سنت " السابقونِ" ذکر شده در قرآن بودند، ولی در باطن چیزی کم از پرستش کنندگان لات و عزی نداشتند. مکتوب حاضر به همین منظور درصدد آن است که به عوامل بنیادی و عمیق پیدایش سقیفه بپردازد که چه بسا این ظاهرِ موجهِ بنیان گذاران سقیفه، سبب کج فهمی از حقایق مسلم تاریخی نشود. از جمله عوامل آن:

۱. نفاق

از ابتدایی ترین و در عین حال مهم ترین عوامل پیدایش سقیفه، می توان به عامل نفاق در میان برخی مسلمانان اشاره کرد؛ چرا که اگر یقین قلبی و باطنی به اسلام و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم داشتند، هیچگاه به پیروی از هوای نفس خود به دنبال مقابله با امر خدا و رسول خدا نمی رفتند. مفسران اهل سنت، ذیل آیه ی« به خدا سوگند می خورند که [چیزی] نگفته اند، ولی قطعا سخن کفرآمیز گفته اند و پس از اسلام شان، کافر شدند و تصمیم به چیزی گرفتند(قتل پیامبر) ، که به آن نرسیدند. آن ها فقط از این انتقام گرفتند که خدا و رسولش آن ها را با فضل خود بی نیاز کردند...»[1] (توبه،۷۴) آورده اند: زمانی که پیامبر همراه مسلمین از جنگ تبوک برمی گشتند، گروهی از ایشان اجتماع کرده و تصمیم گرفتند که پیامبر را

---

۱. یَحلِفونَ بِاللّهِ ما قالوا وَ لَقَد قالئا کَلِمَةَ الکَفَروا بَعدَ إسلامِهِم وَ هَمّوا بِما لَم یَنالوا وَ ما نَقَموا إلّا أن أغناهُمُ اللّهُ وَ رَسولُهُ مِن فَضلِه فَإن یَتوبوا یَکُ خَیراً لَکُم...

بسیار مورد احترام خلیفه اول بود. ابوبکر هیچ کس را بر او مقدم نمی داشت، زیرا در تثبیت سقیفه و گرفتن بیعت برای خلیفه ی اول نقش مهمی داشته است.(ابن الاثیر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص۹۲)
مغیرهٔ بن شعبه نیز، یکی از کسانی است که در سقیفه نقش داشت. پرونده ی سیاه مغیره حاکی از شخصیت اوست. کسی که اسلامش واقعی نبود و به زنا و فحشاء معروف بود.(ذهبی، ۱۴۱۵، ج۱، ص ۲۴۰)
با بررسی کوتاهی از شخصیت افراد اصلی و بنیانگذاران سقیفه می توان به این مسئله پی برد که عواملی چون نفاق، خشونت، دروغ و بی احترامی، از ویژگی های بارز این افراد بوده است. پس، از چنین افرادی نباید انتظار رفتار اسلامی و انسانی داشت، چرا که هیچ درکی از معنای این دو واژه نداشته و تا آخر عمرِ خود در این ضلالت و گمراهی به سر برده اند.

ه) اقدامات غاصبین برای غصب خلافت بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۱. تشکیل شورای سقیفه

پس از تمامی تلاشها برای قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حیله گری برای غصب خلافت، سرانجام پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ابوبکر و عمر، در صدد عملی کردن آرزوی دیرینه ی خود برآمدند و عزم خود را برای تشکیل شوراء، در مکانی به نام سقیفه بنی ساعده، جزم کردند. سقیفه بنی ساعده، مکان مسقفی بود که اغلب مردم برای استراحت یا صحبت کردن در آن مکان می نشستند. با تلاشهای عمر و ابوبکر و اظهار نگرانی های دروغین، نسبت به آینده مسلمین و روشن شدن تکلیف رهبری امت اسلامی، سرانجام موفق شدند که مهاجرین و انصار را به سقیفه بکشانند و خود نیز به آنان بپیوندند و به ظاهر در آن مکان در مورد خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گیری کنند؛ که با درگیری های قدیمی و کهنه ای که میان انصار و مهاجرین و اوس و خزرج بود، فرصت طلایی برای ابوبکر و عمر به وجود آمد و عمر، طبق معمول، فرصت را مناسب دید و غرضِ شوم خود را محقق نمود و با ابوبکر بیعت کرد و او را به عنوان خلیفه مسلمین معرفی کرد و پس از او، دیگر افراد از مهاجرین و انصار جلو آمدند و با ابوبکر بیعت کردند. این وقایع در حالی بود که شخصی مانند امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه که شخصیتِ اجتماعی و مقام علمی و معنوی ایشان بر همگان آشکار بود، در این تجمع حضور نداشتند، و از آنجا که حق خلافتِ ایشان از مسلمات بود، حضورِ ایشان ضروری بود، اما به دلیلِ عدمِ مشروعیتِ این انتخاب و تشکیلِ آن شوراء، امام از حضور در این جمع سر باز زدند و مقاومت کردند که سرانجام عمر، با همان روحیه ی تهاجمی و خشونت آمیز خود، طی چند مرحله حمله و هجوم به خانه ی امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه و حضرت زهرا سلام الله علیها اقدام به سوزاندن خانه ی وحی کرد و با زور، بنا داشت که امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه را برای بیعت به مسجد ببرد.

۲. کیفیت بیعت گرفتن از امیرالمومنین صلواة الله و سلامه علیه

در کتاب اثبات الوصیهٔ، کیفیت بیعت امیرالمومنین صلواة الله و سلامه علیه با ابوبکر چنین نقل شده است:
امیرالمومنین صلواةالله و سلامه علیه را کشان کشان به طرف ابوبکر بردند و گفتند باید بیعت کنی و گرنه تو را

خواهیم کشت؛ حضرت پاسخ دادند: اگر مرا بکشید، بنده خدا و برادر رسول خدا را به قتل رسانیده اید، و در حالی که دست حضرت مشت بود و همگان از باز کردن آن عاجز بودند؛ ابوبکر جلو آمد و دستِ خود را به دست امیرالمومنین صلواة الله و سلامه علیه کشید و این عمل را به عنوانِ بیعت تلقی کرد و اعلام کردند علی با ابوبکر بیعت کرد.(مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹)

۳. کیفیت بیعت گرفتن از مردم

شیخ مفید در کتاب الجمل کیفیت بیعت عمومی را از قول ابو مخنف چنین نقل می کند.« گروهی از اعراب بادیه بودند که برای تهیه آذوقه و خوار و بار به مدینه داخل شدند، اما مردم مدینه به علت فوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان اعتنایی نکردند. آنان نیز با خلیفه جدید بیعت کردند و امر او را گردن نهادند. آنگاه عمر آنان را طلبید و به ایشان گفت: در ازای بیعت با خلیفه ی رسول الله، آنچه نیاز دارید، از خواروبار و آذوقه، بدون اینکه عوضی بپردازید، برگیرید و به سوی مردم درآیید و آنان را گرد آورید و وادار به بیعت کنید و هر که امتناع کرد، بر سر و پیشانی اش بکوبید! راوی می گوید: بخدا قسم، دیدم که قبیله ای بدوی، بلافاصله کمربندها را محکم کردند و دستارها را برگردن همایل نموده و با چوب دستی، به مردم حمله کردند و با آن، محکم به مردم می زدند و آنان را به زور وادار به بعیت می کردند. (مفید، ۱۴۱۳ ، ص۱۱۹)

خلاصه ای از جریان سقیفه، صحنه گردانان، عناصر مؤثر و پیاده نظامِ پروژه ای که آن را به زر و زور جایگزین غدیر کردند ارائه گردید؛ سقیفه ای که تا به امروز همه ی مسلمانان، تاوان آن را می پردازند، چه انسان هایی کشته شدند، چه پاکانی ترور شدند، چه شخصیت های با شرافت و ارزشمندی در اثر مخالفت با جریان سقیفه، به جوخه های اعدام سپرده شدند. حادثه جانگداز کربلا، یکی از خروجی های سقیفه بود. چنانچه عبدالرحمن بن عیسی می گوید: « از یکی از بنی هاشم پرسیدند: امام حسین صلواةالله علیه در چه زمانی به شهادت رسید؟ گفت :روز سقیفه.»(همدانی، ۱۴۱۱ ، ص۱۴۳).

نتیجه گیری

با توجه به اینکه یکی از اساسی ترین مباحث بین دو مبحث امامیه و عامه موضوع امامت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و مسئله ی سقیفه دقیقا نقطه ی مقابل آن است، به همین منظور سیر تطور فرجام سقیفه از دیدگاه امامیه و عامه مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که تا باطل گفته نشود، حق روشن نمی شود. بنابراین مطلب، ضرورت مسئله تا جایی ست که نپرداختن به این موضوع، باعث عدم آگاهی و شناخت مسلمانان نسبت به شخصیت واقعی اصحاب سقیفه و بروز اختلافاتی بین آن ها شده است، و از آنجا که این افراد برای اهل سنت تبدیل به نماد های مقدس شده اند، لازم است این قداست دروغین فروریخته تا با روشن شدن حق، اجتماع مسلمین به اتحاد واقعی دست یابند.

باتوجه به آنچه مطرح شد، یکی از مسائلی که افراد سقیفه به آن دچار بودند و همین عامل باعث تمامی جنایات علیه اهل بیت صلواة الله و سلامه علیهم و شیعیان شد، عامل نفاق است که ریشه ی تمام جنایات از ابتدای اسلام تا به حال است چه بسیار افرادی که در ظاهر دیندار و متدین هستند، ولی باطن شیطانی دارند و چه بسیار افرادی که در صفوف منتظرین امام زمانِ خویش، خود را جای داده اند ولی ممکن است با ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف آنها نیز مانند برخی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیرو هوای نفس خود شوند؛ لذا افراد باید در زندگی دنیوی تقوا و پرهیزگاری را تمرین کنند و طعم بی نظیر آن را به خود بچشانند تا روح و جسم آنها از نفاق درونی و بیرونی پاکیزه بماند و دچار آفات و بلای گذشتگان نشوند. ما منتظر روزی هستیم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از پس پرده غیبت، ظهور کرده و مردم را به اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خلافت امیرالمؤمنین صلواةالله و سلامه علیه دعوت کنند و اسلام را بر همه جهان حاکم گردانند.

فهرست منابع

* **قرآن الکریم**، مترجم: ابوالفضل بهرام پور، انتشارات: آوای قرآن.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، **شرح نهج البلاغه** ، قم، ناشر: مکتب آیت الله مرعشی نجفی،۱۴۰۴ ه.ق.

۲. ابن ابی شیبه، ابوبکر عبدالله بن محمد، **المنصف فی الاحادیث**، ریاض، ناشر: مکتبهٔ الرشد، ۱۴۰۹ه.ق.

۳. ابن الاثیر، ابوالحسن علی، **اسد الغابه فی معرفهٔ الصحابهٔ**، ایران، ناشر: دار الکتبه العلمیه، ۱۴۱۵ ه.ق.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ه.ش.

۵. ابن حزم، ابی محمد علی، **المحلی**، قاهره، ناشر: المنیریه، ۱۳۵۲.

۶. ابن عبدالبر اندلسی، ابو عمر یوسف بن عبدالله، **الاستیعاب فی معرفهٔ الاصحاب**، بیروت، ناشر: دارالجلیل، ۱۴۱۲ ه.ق.

۷. الدوری، عبدالعزیر، **اخبار الدولهٔ العباسیهٔ**، بیروت، ناشر: دار الطلیعهٔ، بی تا.

۸. حمیدی، ابن هشام، **السیرهٔ النبویه**، بیروت، ناشر: دارالمعرفه، بی تا.

۹. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، ناشر: سخن، تهران، ۱۳۸۶.

۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، **الجامع الصحیح**، بی جا، ناشر: دار الطوق النجاهٔ، ۱۴۲۲ه.ق.

۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی، **انساب الاشراف**، مصر، ناشر: دار المعارف، ۱۳۹۴

۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، مصر، ناشر: مکتبهٔ مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۹۵.

۱۳. حلی، ابو القاسم علی، **طرف من الابناء والمناقب**، بی جا، ناشر: تاسوعا، ۱۴۲۰ ه.ق.

۱۴.حموی، شمس الدین، **تفسیر قرطبی**، قاهره، ناشر: دار الکتب المصریه، ۱۳۸۴ه.ق.

۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، **ارشاد القلوب**، قم، ناشر: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ه.ق.

۱۶. ذهبی، محمد بن احمد، **سیر الاعلام و النبلاء**، بیروت، ناشر: موسسهٔالرسالهٔ، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۷. سیوطی، عبدالرحمن، **در المنثور**، بیروت، ناشر: دارالفکر، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۸. شوشتری، محمد تقی، **قاموس الرجال**، قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزهء علمیه، ۱۴۱۷ ه.ق.

۱۹. شیبانی، احمد بن محمد، **مسند احمد بن حنبل**، بی جا، ناشر: موسسهٔ الرسالهٔ، ۱۴۲۲.

۲۰. صلیبا، جمیل، **فرهنگ فلسفی**، ناشر:حکمت، تهران، ۱۳۶۶

۲۱. طبری، محمد بن جریر،**تاریخ طبری**،بیروت، ناشر: موسسه عزالدین، ۱۴۱۳.

۲۲. طبسی، نجم الدین، **ناگفته هایی از سقیفه**، قم، ناشر: دلیل ما، ۱۳۹۵.

۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، بی جا، ناشر:موسسهٔ دارالهجرهٔ، ۱۴۱۰ ه.ق.

۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب،**کافی**، قم، اسوه، ۱۳۷۵.

۲۵. مجلسی، محمدباقر، **مرآهٔ العقول**، تهران، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ه.ق.

۲۶. ----------.**بحار الانوار**، بی جا، ناشر: مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳.

۲۷. مجموعه مولفین،**فرهنگ المعجم الوسیط**، مترجم: محمد بندر ریگی، ناشر: اسلامی تهران، ۱۳۸۹.

۲۸. مسعودی، علی بن الحسین، **اثبات الوصیه**، قم، ناشر: انصاریان، ۱۳۹۸.

۲۹. مفید، محمد بن محمد، **الجمل**، قم، ناشر: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **صحیح مسلم**، بیروت، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۱. هلالی، سلیم بن قیس، **اسرار آل محمد(ص)**، قم، ناشر: دلیل ما، ۱۳۹۸.
۳۲. همدانی، عبدالرحمن بن عیسی، **الالفاظ الکتابیه**، مصر، مطعبهٔ الاباء الیسوعیین، ۱۸۸۵ م.